

## به حکومت تزاری

امسال، ۱۸۹۶ حکومت تزاری دو بیانیه خطاب به عموم درباره مبارزات کارگران علیه صاحبان کارخانه، منتشر ساخته است. در دیگر کشورها از این نوع بیانیه ها فراوان منتشر می شود و حکومت آنها جریانات درون کارخانه ها را از مردم پنهان نمی دارد و مطبوعات آزادانه خبرهای مربوط به اعتصابات را منتشر می سازند. اما حکومت روسیه به شدت از آفت تبلیغات درباره حوادث و اتفاقات درون کارخانه می ترسد و از انتشار اخبار مربوط به اعتصابات در مطبوعات جلوگیری به عمل می آورد. دولت بازرسان کارخانه ها را از انتشار گزارشات خود درباره اعتصابات منع کرده است و حتی نمی گذارد دعواهای مربوط به اعتصابات در دادگاههای مربوطه مطرح شود بطوری که خلاصه تمام امکاناتش را بکار می گیرد تا آنچه را که در کارخانه ها و در میان کارگران می گذرد، از دیده مردم پنهان دارد. ولی ناگهان تمام تدابیر پلیس مثل حباب صابون می ترکد و به هوا می رود. حکومت خود را مجبور می بیند درباره این حقیقت که کارگران علیه کارخانه داران وارد مبارزه شده اند بی پرده سخن بگوید. چه چیز موجب این تغییر شده است؟ در سال ۱۸۹۵، تعداد اعتصابات کارگری به ویژه خیلی زیاد است. بله این امر حقیقت دارد. اما پیش از این هم اعتصابات بسیاری صورت گرفته بود، اما حکومت موفق شده بود از برملا شدن اسراسر آن جلوگیری کند و توده های کارگر را در بی خبری نگهدارد. اعتصابات عمومی دامنه اش بسیار وسیع تر از اعتصابات قبلی و در يك ناحیه متمرکز است. بله این موضوع هم حقیقت دارد. اما اعتصابات بزرگتری هم قبلاً رخ داده بود برای مثال اعتصابات استانی ولادیمیر و مسکو در سالهای ۸۶-۱۸۸۵. اما در آن زمان حکومت از گفتن حتی يك کلمه درباره مبارزات کارگران خودداری کرد. پس این بار چه چیز حکومت را وادار به سخن گفتن کرده است؟ تنها این حقیقت که این بار سوسیالیستها پشتیبان کارگران هستند و به آنان کمک می کنند تا مسائلشان را مطرح کنند و اخبار مربوط به اعتصابات را در همه جا، هم در میان کارگران و هم در میان دیگر طبقات جامعه پخش کنند. سوسیالیستها خواسته های کارگران را دقیقاً فرموله می کنند و به عموم مردم نشان می دهند که حکومت تا چه حد بی شرف و حقه باز است و چه خشونت‌های سبعانه ای در برخورد با کارگران از خود نشان می دهد. هنگامی که حکومت دریافت همه مردم از اعتصابات خبر دارند و سکوت او بسیار مضحک است، به ناچار با بقیه همصدا شد، سوسیالیستها از دولت خواستند که در این باره به مردم توضیح دهد، حکومت هم روی صحنه ظاهر شد و توضیحش را داد. اجازه بدهید ببینیم چه توضیحی می دهد.

ابتدا حکومت سعی کرد از انجام اینکار بطور آشکار و در ملاء عام خودداری ورزد. از اینرو یکی از وزراء، وزیر دارائی آقای ویتِه **Vitle** بخشنامه ای خطاب به بازرسان کارخانه ها صادر کرد که در آن کارگران و سوسیالیستها را بدترین

دشمنان نظام اجتماعی معرفی کرده و به بازرسان اندرز داده بود که سعی کنند کارگران را بترسانند و آنان را مطمئن سازند که حکومت، کارفرمایان را از دادن هر گونه امتیازی به کارگران منع کرده است. در این بخشنامه همچنین آمده بود که با کارگران راجع به انگیزه های خیرخواهانه کارفرمایان و مقاصد شرافتمندانه شان صحبت کنند و بگویند که چقدر کارفرمایان به کارگران و خواسته هایشان علاقه مندند و چگونه لبریز از احساسات خیرخواهانه نسبت به آنان می باشند. اما حکومت نه درباره خود اعتصابات، نه درباره علت آنها و نه درباره سرکوب بی شرمانه و نقض قوانین از طرف کارفرمایان و نه درباره اهداف کارگران کلمه ای سخن نمی گوید. در يك کلام، دولت به آسانی کلیه اعتصابات که در تابستان و پائیز ۱۸۹۵ صورت گرفته بود، دگرگون جلوه داده و سعی می کند با گفتن جملاتی مبتذل درباره اعمال خشونت آمیز و غیرقانونی از جانب کارگران، خودش را از شر همه آن واقعیتهای خلاص کند. همه می دانند کارگران نبودند که مرتکب اعمال خشونت آمیز شدند بلکه این پلیس بود که به خشونت توسل جست. آقای وزیر می خواست که این بخشنامه کاملاً محرمانه بماند اما همان مقاماتی که او این مهم را به آنان واگذار کرده بود، نتوانستند این سر را مخفی نگهدارند. بخشنامه در دست مردم سراسر جامعه را طی کرد و سپس توسط سوسیالیستها چاپ و منتشر شد. وقتی حکومت فهمید که با این «اسراسر آشکارش» از خود مضحکه ای ساخته است ناچار شد آنرا بطور رسمی برای چاپ به مطبوعات بدهد. و همانطور که در بالا گفتیم چنین بود جواب حکومت به اعتصابات تابستان و پائیز ۱۸۹۵. در بهار ۱۸۹۶ اعتصابات با مقیاس وسیع تری شروع شد. اخبار و شایعات مربوط به اعتصابات را جزوات سوسیالیستها در اختیار مردم می گذاشت. حکومت ابتدا سکوت جبونانه ای اختیار کرد و منتظر ماند تا ببیند که قضیه چگونه خاتمه می یابد. و سپس هنگامی که قیام کارگران فروکش کرد با تأخیر، درایت بوروکراتیکش را همانطور که پروتکل دیر از موقع پلیسی را به اطلاع می رساند، به اطلاع عموم رساند. این بار حکومت مجبور بود بی پرده سخن گوید و مهم تر اینکه این کار را جمعاً انجام داد. اطلاعیه دولت در شماره ۱۵۸ نشریه Pravitelarenni Veatni ظاهر شد. این بار دیگر دولت قادر نبود که اعتصابات کارگری را به سیاق سابق دگرگون جلوه دهد. و مجبور بود تمام داستان و حقایق مربوط به اقدامات سرکوبگرانه کارفرمایان را بگوید و خواسته های کارگران را آشکار سازد و بپذیرد که کارگران بسیار شرافتمندانه رفتار کرده اند بنابراین کارگران دولت را واداشتند تا از دروغ گفتن به شیوه شرم آور پلیسی دست بردارد. کارگران با قیام خود و با طرح مسائل و خواسته هایشان در جزوات و اعلامیه های متعدد برای با خیر ساختن عموم مردم، دولت را به قبول این حقیقت واداشتند. و این امر برای کارگران پیروزی بزرگی محسوب می شد. اکنون کارگران به خوبی می دانند که برای اعلان عمومی نیازهایشان و برای باخبر ساختن کارگران سراسر کشور از مبارزات خویش، از چه وسائلی می توانند استفاده کنند. کارگران اکنون می دانند که چگونه با مبارزات متحدانه خود برای تأمین حقوقشان و با آگاهی طبقاتی خود

قادرند دروغهای دولت را برملا سازند. تازه وقتی که وزراء از اعتصابات صحبت به میان آوردند شروع کردند به عذر تراشی و اینکه اعتصابات در نتیجه ویژگیهایی است که در تولید نخ و ریسندگی کتان وجود دارد. حقیقتاً! این اعتصابات نتیجه ویژگیهای تولید تمام روسیه نیست؟ این اعتصابات نتیجه ویژگیهای سیستم سیاسی روسیه نیست که به پلیس اجازه می دهد که به آرامترین اعتصابات کارگران حمله کند و کسانی را که تنها از خودشان در مقابل سرکوب و فشار دفاع می کنند، شکار و بازداشت نماید؟ اگر چنین است پس آقایان وزراء چرا کارگران اعلامیه ها را از دست هم می قاپند و با ولع هر چه تمام تر آنها را می خوانند و تقاضای تعداد بیشتری می کنند؟ اصلاً به کتان و نخ ارتباطی ندارد. بلکه به محرومیت اتباع روسیه از هر نوع حقوق، و رفتار خودسرانه و وحشیانه حکومتی مربوط است که چاپلوسی سرمایه داران را می کند و مجیز آنها را می گوید. نه این عذر جدید بدتر و بی شرمانه تر از عذر آقای ویته وزیر دارائی است که سعی کرد از طریق بخشنامه اش و مقصر جلوه دادن مبلغ، سر و ته موضوع را هم بیاورد. آقای ویته درباره اعتصابات به همانگونه سخن می گوید که هر صاحب مقامی که سیلش را سرمایه داران چرب کرده اند: مبلغان می آیند، مسائل را توضیح می دهند، اعتصاب آغاز می شود. اما حالا که آقایان وزراء يك اعتصاب سی هزار نفری را می بینند، مجبورند کمی فکر کنند و بالاخره به این نتیجه می رسند که اعتصاب به این دلیل شروع نشده که مبلغان سوسیالیست در صحنه ظاهر شده اند. بلکه مبلغان سوسیالیست به این دلیل پیدایشان می شود که اعتصاب آغاز شده است، زیرا که کارگران مبارزاتشان را علیه کارخانه داران شروع کرده اند و حالا وزراء اظهار می دارند که سوسیالیستها بعداً به اعتصابات می پیوندند و این برای آقای ویته درس خوب است. آقای ویته حواست را جمع کن و خوب به خاطر بسپار، و یاد بگیر که درباره علت اعتصاب هیچگونه ابهامی برایت وجود نداشته باشد. یاد بگیر که خواسته های کارگران را مورد بررسی قرار دهی نه گزارشات موشهای جاسوست را که خودت هم کمترین اعتمادی به آنها نداری. این آقایان وزراء به ملت می گویند که افرادی با سوء نیت سعی می کنند به اعتصابات جنبه سیاسی بزهکارانه و یا همانطور که در جای دیگری ذکر کرده اند، خصالت اجتماعی (Social) بدهند (البته منظور آقایان از خصالت اجتماعی سوسیالیستی بوده است، حال از روی نادانی و یا از روی جبن بوروکراتیک اجتماعی گفته شده، به هر حال چیز چرندیست: سوسیالیستی به معنی پشتیبانی از مبارزات کارگران علیه سرمایه می باشد در حالی که منظور از اجتماعی صاف و ساده خود جامعه است. حال چگونه می توان به اعتصاب جنبه اجتماعی داد؟ همانطور که به آقایان وزراء رتبه می دهند). خنده دار است! سوسیالیستها به اعتصاب جنبه سیاسی می دهند. چرا؟ قبل از اینکه هر سوسیالیستی این کار را بکند خود حکومت تمام امکاناتش را بکار می برد تا این وظیفه را انجام دهد. آیا این حکومت نیست که کارگران صلح جو را درست مانند جنایتکاران دستگیر می کند؟ آیا حکومت کارگران را بازداشت و اخراج نمی کند؟ آیا او

جاسوسها و پرووکاتورهايش را به هر سو نمی فرستد؟ آیا هر کس را که به چنگش بیافتد بازداشت نمی کند؟ آیا دولت قول نداد که به صاحبان کارخانه ها کمک کند تا تسلیم نشوند؟ آیا دولت، کارگران را صرفاً بخاطر جمع آوری پول برای اعتصابگران، تحت تعقیب قرار نداد؟ حکومت خود قبل از هر کس دیگری این امر را برای کارگران روشن می سازد که جنگی که آنان علیه کارخانه داران آغاز کرده اند به ناچار باید به جنگی علیه دولت تبدیل شود. کار سوسیالیستها تنها تأیید این موضوع و انتشار آن در اعلامیه ها و جزوات می باشد. تمام قضیه از این قرار است. حکومت روسیه در امر نادیده گرفتن امور صاحب تجربه زیادی است. و از همین رو آقایان وزراء درباره اینکه چگونه حکومت به اعتصابات خصلت سیاسی می بخشد، سکوت کرده اند. حکومت حتی تاریخ اعلامیه های سوسیالیستها را هم به اطلاع عموم می رساند. پس چرا چیزی درباره تاریخ صدور دستور فرماندار شهر و bachi-bazouk در مورد بازداشت کارگران صلح دوست، مسلح کردن ارتش، فرستادن نیروی انتظامی، اعزام جاسوسان و پرووکاتورها نمی گوید؟ اینان که تمام جزئیات اعلامیه های منتشره از طرف سوسیالیستها را به اطلاع عموم می رسانند چرا درباره تعداد کارگران و سوسیالیستهای بازداشتی، درباره خانواده هایی که نابود شده اند و درباره تعداد تبعیدیها و زندانیان بدون محاکمه هیچ چیز نمی گویند؟ چرا؟ به این دلیل که وزرای روسی هر چند که از هر نوع شرم و حیائی عاری هستند، اما در مورد گفتن چنین اعمال راهزنانه ای به ملت بسیار با احتیاطند. کلیه نیروهای دولتی، قوای انتظامی، پلیس، ژاندارمها و دادستانی در برابر و بر علیه کارگران صلح دوست که برای احقاق حق خویش و دفاع از خود در برابر استبداد کارخانه داران قیام کرده اند، جبهه گرفته و به مقابله برخاسته اند، بخاطر مزد ناچیز خود و رفقایشان، کارگران انگلیسی، هلندی، آلمانی و استرالیائی می جنگیدند، دولت تمام نیرویش، یعنی پلیس، قوای نظامی، ژاندارمها و جاسوسها را، تمام خزانه عظیمش را که به کارخانه داران بیچاره قول مساعدت داده بود، بکار گرفت.

کارگران متحد و متشکل نبودند، آنان قادر نبودند ترتیبی برای جمع آوری وجوه بدهند و از کمکهای کارگران و شهرهای دیگر فهرستی تهیه کنند. آنان همه جا مورد تعقیب قرار می گرفتند و مجبور بودند در مقابل فشار نیروهای دولتی تسلیم شوند. آقایان وزراء از شادی پیروزی خود در پوست نمی گنجند. چه فتح با شکوهی! چه نیروهای برابری! تمام قدرت حکومت و کلیه ثروت سرمایه داران علیه سی هزار کارگر صلح جو و فقیر! آقایان وزراء بهتر بود قبل از لاف زدن درباره پیروزی کمی تأمل می کردند. لاف و گزاف آنان، انسان را به یاد لاف و گزافهای پلیس می اندازد که از اینکه از اعتصابات جان سالم بدر برده اند، به خود می بالند. حکومت پیروزمندانه به سرمایه داران اعلام می کند که «تحریکات» سوسیالیستها هیچ اثری نداشت. چرا، جواب ما اینست که هیچ تحریکی نمی توانست يك صدم تأثیری را که رفتار و کردار دولت در برابر این مسائل روی کارگران سن پترزبورگ و سراسر روسیه داشت، به وجود بیاورد. کارگران می

بینند مثنی دولت عبارتست از سکوت دربارهٔ اعتصابات کارگری و دگرگون جلوه دادن آنها. کارگران دیدند که چگونه مبارزهٔ متحدانهٔ آنان، پلیس را به ترک دروغگوئی و ریاکاری واداشت. آنان می دیدند که حکومت چگونه قول مساعدت به کارخانه داران می دهد و عملاً از منافع آنان حراست می کند. کارگران در حالی که نه قانون را نقض کرده بودند و نه نظم را به هم زده بودند، در عوض در برابر خویش ارتش و پلیس را دیدند، با آنان به گونه ای رفتار شد که گوئی دشمنان مملکت هستند. در این میان کارگران می توانستند دشمنان واقعی خویش را بشناسند.

وزراء هر چقدر که می خواهند راجع به شکست مبارزه داد سخن بدهند، چون کارگران می بینند که چگونه کارفرمایان کوتاه می آیند و دولت از تمام بازرسانش دعوت می کند که برای بحث دربارهٔ امتیازاتی که باید به کارگران بدهند، دور هم گرد آیند، چون اکنون دیگر باید امتیاز داد. اعتصابات سالهای ۱۸۹۵-۱۸۹۶ بی نتیجه نبودند. این اعتصابات خدمات بی پایانی به طبقهٔ کارگر روسیه کردند، آنها به کارگران نشان دادند که چگونه بخاطر منافعشان بجنگند و به آنان آموختند که مفاهیم «موقعیت سیاسی» و «نیازهای سیاسی» طبقهٔ کارگر را بفهمند.

نوامبر ۱۸۹۶

اتحاد مبارزه برای رهائی طبقهٔ کارگر

نوشته شده در زندان، پائیز ۱۸۹۶

مجموعه آثار لنین، جلد دوم

\*\*\*\*\*

تکثیر از:

کمونیستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>

[info@k-en.com](mailto:info@k-en.com)